

بررسی قیمت گذاری ریسک در بانکداری اسلامی

علی رضا نوری^۱

چکیده

از منظر دین اسلام مبنای درآمد باید کار و خدمت باشد. بر مبنای این شرط تبادل مال براساس بازی و به قصد سرگرمی صرف و هر عقدی که کاری در میان نباشد، مانند ربا، انواع قمار و مسابقاتی که نص صحیح بر مشروعیت آن نداریم، از نظر شرعی مردود هستند. حال ضمانت‌هایی که بانک انجام می‌دهد و به نوعی بیمه فعالیت‌های تجاری می‌باشد، در دید اول نوعی کسب درآمد از راه ریسک‌پذیری است، که به نظر می‌رسد حرام باشد؛ اما طبق نظر اکثر علمای شیعه این نوع درآمد مصداق کار و خدمت و ایجاد ارزش اضافه بوده و لذا درآمد حاصل از آن حلال می‌باشد.

از سویی در صنعت بانکداری پیوسته انواعی از ریسک، منابع بانکی را تهدید می‌کند. اما این ریسک در همه‌ی موارد یکسان نیست. در پاره‌ای از موارد این مشتریان بانک هستند که مستقیماً با آن درگیر می‌شوند و در برخی احیاناً بانک به هدف درآمدزایی خود به استقبال ریسک می‌رود، مانند برخی از خدمات بانکی که در آن ریسک از مشتریان به بانک منتقل می‌شود. در اولی بانک به مدیریت ریسک‌ها و در دومی به قیمت‌گذاری آنها می‌پردازد. با توجه به این دو نوع رویکرد می‌توان در دامنه بحث‌های بانکداری اسلامی، از منظر شرعی و اسلامی احکام متفاوتی برای هریک از آنها استنباط کرد. از این حیث این تفکیک ثمراتی فقهی و دینی بدنبال خواهد داشت.

کلیدواژه‌ها: ریسک، بیمه، ضمانت بانکی، درآمد، قیمت‌گذاری ریسک، بانکداری اسلامی.

مقدمه

در یک تقسیم‌بندی ریسک‌های بانکی به دو نوع متفاوت تقسیم می‌شود. دسته‌ی اول ریسک‌هایی است که بانک به استقبال آنها نرفته است بلکه این گیرندگان وجوه بانکی در قالب تسهیلات هستند که خود را در معرض ریسک قرار داده‌اند و بانک با واسطه در معرض خطر قرار گرفته است و دسته‌ی دوم ریسک‌هایی هستند که بانک بدون واسطه و مستقیماً به استقبال آنها می‌رود. در دسته‌ی اول بانک سعی در مدیریت ریسک دارد ولی در نوع دوم بانک خود به استقبال ریسک و خرید آن رفته و اقدام به قیمت‌گذاری می‌کند. این نوع ریسک‌ها را بانک با نوعی قرارداد مثل صدور ضمانت‌نامه پوشش می‌دهد و سوال این است که چه قیمتی برای آن باید گذاشت. اگر تضمین نوعی کار است باید کارمزد داشته باشد و اگر نوعی پذیرش خطر است و آیا با توجه به میزان و حجم خطر بهایی دارد یا خیر؟

در مورد کارمزدهای بانکی در جاهایی که بانک خود مستقیماً به استقبال ریسک می‌رود و آن را متقبل می‌شود، نقش خطرپذیری به عنوان یک عامل در تعیین کم و زیاد کارمزد بانکی نقش پررنگی است. در حالی که بانک خدمتی یکسان را در موارد مختلف انجام می‌دهد بدلیل کم و زیاد بودن ریسک و خطر، کارمزد خود را نیز کم و زیاد می‌نماید.

هر چه مبلغ ضمانت بالاتر باشد کارمزد نیز بالاتر خواهد بود و هر چه مدت زمان اعتبار ضمانت‌نامه بیشتر باشد، یا در بحث گشایش اعتبار اسنادی بیان شد که مبلغ قرارداد و مدت سررسید در نحوه‌ی محاسبه‌ی کارمزد دخیل است و با بالاتر رفتن آن کارمزد نیز افزایش می‌یابد.

این بدلیل ریسکی است که منابع بانک را تهدید می‌کند. زیرا بانک در صورت اعسار مشتری و پرداخت بدهی او باید به لحاظ حقوقی ابتدا با تصرف وثیقه و انتقال مالکیت آن از مشتری به خود، اقدام به فروش آن نماید و از قیل آن مبلغ ضمانت شده را جبران نماید. امری که نیازمند صرف وقت، هزینه است.

به روشنی مشخص است که بانک در موارد مذکور میزان ریسک را به عنوان یک کالا می‌خرد و الا خدمت انجام شده در قبال دو خدمت که دارای دو درجه از ریسک است، یکسان می‌باشد. زیرا به عنوان مثال صدور ضمانت‌نامه به لحاظ هزینه‌های مصرفی بانک یکسان است ولی این ریسک ضمانت‌نامه (میزان مبلغ و مدت آن) است که به عنوان یک پارامتر در نظر گرفته می‌شود و مبلغ کارمزد را بالا و پایین می‌آورد.

اما با نگاه اجمالی به متون فقهی و احکام شرعی می‌توان دریافت که شریعت در جای جای ابواب فقهی بین درآمدزایی و ریسک یک رابطه‌ی مستقیم قائل شده است. یا در یک قاعده کلی مسلم، منافع از آن کسی است که ریسک و خسارت را از قبل پذیرفته باشد و کسب منفعت تابعی از ریسک‌پذیری دانسته شده است به این بیان که «من له الغنم فعليه الغرم» کسی در منافع و سود شریک خواهد بود که ضامن خسارت و زیان نیز باشد.

برخی با استناد به این گونه موارد در فقه نظریه‌ای ارائه کرده‌اند به این مضمون که حتی در دیدگاه اسلامی و دینی نیز ریسک، ارزش خلق می‌کند و با بازده و درآمد هم جهت است به این معنا که هرچه ریسک یک تصمیم مالی و سرمایه‌گذاری افزایش یابد توقع بازده و سود از آن پروژه نیز افزایش می‌یابد و برعکس اگر ریسک کاهش یابد توقع کسب سود از آن نیز از سوی سرمایه‌گذاران و ارزیابان پروژه نیز کاهش خواهد یافت (بکتابش، ۱۳۹۵، ۱۹۷).

شهید صدر در مقام بیان حقوق سپرده‌گذار که یکی از آن‌ها درآمد ناشی از سپرده‌گذاری است، می‌فرماید: «چون بانک بدون ربا در شرایط نبود سود، به سپرده‌گذار سودی نمی‌پردازد، لازم است برای جبران این ضعف درصد سود بانک بدون ربا مقداری از نرخ بهره بالاتر باشد. اما میزان این زیاده را درجه احتمال عدم سود که از شرایطی به شرایط دیگر تفاوت می‌کند تعیین می‌کند. پس هرگاه درجه‌ی احتمال عدم سود کم شود آن مقدار زیاده هم کم می‌شود و برعکس» (صدر، ۱۳۸۸، ۴۳).

روشن است که شهید صدر در قول دوم با قول اول خود مخالفت نموده است و این گونه مخالفت‌ها در کلام عقلا نظایر زیادی دارد و باید دید منظور و مراد واقعی شهید صدر در قول اول از عدم درآمدزایی ریسک چیست؟ آیا واقعا اسلام و شریعت همان چیزی را که شهید صدر می‌گوید، تأیید می‌کند یا خیر؟ اگر نظریه مذکور که درآمدزایی وابسته به ریسک می‌تواند باشد و میزان ریسک یک عامل افزایش یا کاهش درآمد است، را به طور کلی بپذیریم، پس قول اول شهید صدر که عامل ریسک را در میزان درآمد دخیل نمی‌داند را نمی‌توانیم قبول کنیم. اصولا باید دید که اصل اولی در فقه کدام است؟ نظریه شهید صدر که قائل به عدم دخالت ریسک در میزان درآمد است یا نظریه‌ی مقابل که ریسک را عامل تعیین‌کننده‌ای می‌داند. بعد از تعیین اصل اولی می‌توان در چهارچوب آن، موارد تخصیص اصل یا تخصیص و در کل موارد تخلف از اصل اولی را جدا کرد و علت خروج آن موارد را بررسی نمود.

واکاوی قول شهید صدر هم در همین راستا به این دلیل است که با رسیدن به پاسخ صحیح و مراد واقعی شهید صدر می‌توان به سؤال این فصل در باب کسب درآمد بانک‌ها از طریق ریسک‌پذیری و مشروعیت آن نیز پاسخ داد چرا که با دانستن صور صحیح درآمدزایی از طریق ریسک‌پذیری و صور غیر صحیح و غیر مشروع آن، تکلیف عملکرد بانک‌ها در این زمینه نیز مشخص می‌شود.

ما با در ابتدا با آوردن برخی از مواردی که شریعت درآمدزایی آن در قبال ریسک‌پذیری را نپذیرفته و مواردی که درآمدزایی را از این طریق به رسمیت شناخته و سپس در مرحله‌ی بعد با تحلیل و مقایسه بین ایندو رویکرد دین و شریعت سعی می‌کنیم تا یک قاعده‌ی عام و فراگیر را استخراج کنیم در پرتو آن به سوال اصلی این پایان‌نامه پاسخ بگوییم.

مفهوم شناسی

الف) قیمت گذاری

قیمت در بازار عرضه و تقاضا چه کالا و چه خدمات نقش مهمی در تصمیم‌گیری دوطرف نسبت به میزان درخواست محصول و نوع محصول دارد. تعیین قیمت یک کالا یا خدمت هر چند به نوع بازار بستگی دارد که بازار آزاد باشد یا انحصاری، اما عموماً با فرض اینکه بازار آزاد است، برای تولیدکننده به معنای هزینه‌هایی است که برای تولید آن محصول متحمل شده است و یا خواهد شد و برای مصرف‌کننده معرف ارزشی است که برای آن منفعت قائل است.

اما در کنار تولیدکننده در کنار این هزینه‌ها، گاه هزینه‌های غیرمالی هم وجود دارد که ممکن است در بالا یا پایین بردن قیمت کالا یا خدمتش تاثیر داشته باشد. مانند نگرانی و اضطراب. به طور کلی هزینه‌های غیرمالی را به سه دسته تقسیم کرده‌اند:

۱- هزینه‌ی زمان که نوعی هزینه فرصت است به این معنا که مشتری می‌تواند زمان دریافت خدمات را به کار سودآور دیگری اختصاص دهد.

۲- هزینه فیزیکی و روانی خدمت مثل خستگی و بی‌حوصلگی ناشی از انتظار و یا صدمه و تصادفی که در مسیر ممکن است به شخص وارد آید.

۳- هزینه‌های حسی مانند قرارگرفتن در محیط شلوغ و یا صندلی‌های خراب یا هوا و بوی نامطبوع و... برخی محصولات مالی که توسط بانک ارائه می‌شود دارای کارمزد معین است که شامل هزینه‌های اسمی برای تنظیم و نگهداری حساب‌های مختلف و خدمات معاملات جزئی برای مشتریان می‌شود. شاخصه‌ی این نوع از کارمزدها اینست که به صورت دقیق محاسبه می‌شود برای مثال کارمزد انتقال وجه کارت به کارت مقدار ثابت و مشخصی را دارد.

«اما بخشی از محصولات در قالب قراردادی است که امکان استفاده از دارایی را فراهم می‌کند اما حقوق مالکیت دارایی را منتقل نمی‌کند. این نوع از خدمات نوعی تأمین مالی خارج از ترازنامه بانک‌ها محسوب می‌شوند - به این معنی که دارایی تعهدشده و بدهی‌های مرتبط (به عنوان مثال پرداخت‌های آینده) در ترازنامه بانک لحاظ نمی‌شوند. به عنوان مثال شرکتی قصد دارد تا از سرمایه‌گذاران وام گرفته و آنها را نسبت به بازپرداخت پول و سودشان مطمئن سازد، این شرکت با یک بانک قرارداد می‌بندد و در طی آن بانک متعهد می‌شود که در صورتی که شرکت مورد نظر قادر به بازپرداخت نبود بانک آماده است تا تعهدات شرکت را بپردازد. به صرف انعقاد قرارداد، در ترازنامه بانک هیچ تغییری - به استثنای کارمزد دریافتی بانک - حاصل نمی‌شود.» (دارمین، ۱۳۸۵، ۴۳).

محصولات و خدمات مالی از نوع دوم برای بانک خطرات و ریسک‌هایی دارد که دارای همان هزینه‌های غیرمالی است. از آنجا که بانک با انجام این خدمت منابع خود را در معرض ریسک قرار می‌دهد (در صورت نکول بدهکار اصلی) برای این ریسک سهمی در کارمزد لحاظ می‌کند و میزان ریسک که بسته به مدت و مبلغ و نوع وثیقه است در بالا و پایین بودن کارمزد لحاظ می‌شود.

بانک‌ها بر اساس ابلاغیه بانک مرکزی در مقابل اخذ هر وثیقه‌ای نرخ خاصی را در محاسبه به کار می‌برند. از آنجایی که در محاسبه‌ی کارمزد این نوع از خدمات میزان ریسک وارد شده به بانک (که وابسته به زمان و مقدار تعهد بانک است) به عنوان یک فاکتور در نظر گرفته می‌شود در حالی که کار انجام شده و هزینه‌های بانک برای آنها مانند دستمزد کارکنان، کاغذ و تکنولوژی به کار رفته و... به یک میزان و یکسان است، در این تحقیق سعی شده است ضمن بیان برخی از مصادیق این نوع از خدمات، این اقدام بانک‌های ایران (نظام بانکی اسلامی) از منظر دینی بررسی شود.

ب) بانکداری اسلامی

آنچه در نخست از کلمه بانک اسلامی به ذهن متبادر می‌شود، بانکی است که در آن از عقد قرض ربوی استفاده نشده و به جای آن از عقود به رسمیت شناخته شده در شریعت اسلام همچون مضاربه و مزارعه و... استفاده گردد. در واقع تاریخی شکل‌گیری این نوع از بانک نیز همین معنا دیده می‌شود چرا که ایده بانکداری اسلامی اولین بار در واکنش به فرایند تجهیز و تخصیص منابع بر اساس ربا در بانکداری متعارف پدید آمد. اما بعد از حل مسئله ربا و تشکیل شوراهای فقهی ناظر بر بانک، کارشناسان دینی دریافتند که بانکداری اسلامی اقتضائاتی فراتر از حل مسئله ربا دارند.

یکی از این مسائل که می‌توان معرکه آرا و محل بحث و نظر باشد، درآمدزایی از مسیر پذیرش ریسک و قیمت‌گذاری آن توسط بانک است. چرا که در نظر برخی از کارشناسان این امر و این درآمد مجاز نمی‌باشد. به این معنا که قیمت‌گذاری ریسک بدلیل داشتن اشکال و شبهه شرعی باید با مدیریت ریسک جایگزین شود.

ج) ریسک

ریشه آن از لاتین کلمه (resecum) به معنای آنچه برش می‌دهد اما در اصطلاح:

۱- به معنای احتمال یک واقعه‌ای که یک شر یا آسیب محسوب می‌شود می‌باشد مثل «ریسک (احتمال) جنگ افزایش می‌یابد».

۲- ناراحتی کم و بیش احتمالی که فرد در معرض آن قرار دارد: مثل «این خلبان بیش از حد ریسک می‌کند (به استقبال ناخوشایندی و ناراحتی می‌رود)».

۳- انجام عملی که در آن احتمال یک مزیت است، اما شامل احتمال خطر هم می‌شود: مثل «این فرد شخصی ریسک‌پذیر است» به همین معناست که گفته می‌شود «در زندگی که مبتنی بر شرط‌بندی همیشگی باشد، ریسک کردن‌ها می‌تواند خوشبختی همیشگی بدنبال آورد» (Dictionnaires, ۱۹۸۵, p ۶۹۵۵۷).

به معنای خسارت و ضرر احتمالی که شرکت‌های بیمه با پرداخت حق بیمه آن‌را تضمین می‌کنند: مانند ریسک‌های ناشی از حوادث طبیعی و تکنولوژیکی، حوادث فاجعه بار محتمل، اما نه لزوماً قابل پیش‌بینی. آنگونه که در بالا مشاهده می‌کنید وجه جامع معانی اصطلاحی بالا وجود احتمالی غیر قابل کنترل است و حتی یکی از معانی خود احتمال می‌باشد و به نظر می‌رسد که معنای متبادر به ذهن از ریسک نیز همین باشد اما معنای دیگر آن مصادیق ریسک هستند که از نوعی به نوع دیگر بسته به منشأ یا پیامدهای آن یا انگیزه پذیرش آن متفاوت می‌شوند.

با توجه به پیامدهای احتمال، ریسک به دو نوع تقسیم می‌شود:

۱) احتمال ضرر خالص (ریسک‌های بیمه‌ای) در این نوع از ریسک‌ها ریسک‌کننده با دو حالت زیان و عدم زیان مواجه است.

۲) ریسک سوداگریانه؛ که در این نوع احتمال ضرر درکنار احتمال سود (سوداگریانه) و احتمال عدم هر دو وجود دارد. به این دلیل سوداگریانه نامیده شده است که عموماً تاجران و بازرگانان به امید سود به خرید و فروش می‌پردازند و در عین حال ممکن است یا اصلاً سود نکنند یا زیان ببینند. اگر بیمه‌گر (مضمون عنه) را در نظر بگیریم در این تحقیق مراد از ریسک معنای اول است زیرا او با دو گزینه زیان و خسارت دیدن و عدم آن مواجه است ولی اگر بیمه‌گزار (ضامن) را مدنظر قرار دهیم معنای دوم از ریسک به ذهن متبادر است زیرا بیمه‌گزار با دو حالت زیان و سود مواجه است. در صورتیکه میزان خسارات پوششی توسط شرکت بیمه‌گزار بیش از دریافتی او از بیمه‌گران باشد، این شرکت ضرر کرده و در صورتیکه این میزان خسارات کمتر از مبالغ حق بیمه تجمیعی از بیمه‌گران باشد، شرکت به سود دست پیدا می‌کند.

ریسک‌های نوع اول

گفته شد که دسته اول ریسک‌های تهدیدکننده بانک، آن‌هایی هستند که بانک مستقیماً با آن‌ها مواجه نیست؛ بلکه این گیرندگان تسهیلات بانکی هستند که با گرفتن منابع و به‌کارگیری آن در مسیرهای اقتصادی، خود را در معرض مستقیم و بانک را در معرض غیرمستقیم این ریسک‌ها قرار داده‌اند. در این دسته از ریسک‌ها وظیفه اصلی بانک مدیریت دارایی و بدهی با هدف کسب حداکثر سود از منابع بانکی می‌باشد.

با صرف‌نظر از آن بخشی از منابع بانکی که متعلق به خود بانک است و بانک مستقیماً به سرمایه‌گذاری و دادن تسهیلات مبادرت می‌کند روی بحث ما با آن قسمتی است که بانک تنها نقش واسطه را دارد.

در این بخش نقطه مرکزی بر روی آن سپرده‌گذارانی است که به منظور کسب سود اقدام به افتتاح حساب مدت دار سرمایه‌گذاری می‌کنند. در غیر این صورت سپرده‌گذاران تنها قصد حفظ پول در یک مکان امن و اینکه در موقع نیاز دسترسی به وجوه خود داشته باشند و نه به قصد سودآوری اقدام به افتتاح حساب می‌کنند که فرق این دو نوع در سیستم بانکداری اسلامی در این است که در صورت اول وجوه سپرده‌گذاری شده به مالکیت بانک در نمی‌آید و بانک تنها امانتدار و وکیل است اما در نوع دوم وجوه به عنوان قرض محسوب شده و بانک مالک آن وجوه می‌گردد. لذا اگر در دادن تسهیلات از این وجوه استفاده کند مانند اینست که خود مستقیماً با اموال خود اقدام به ریسک و سرمایه‌گذاری کرده است و در این جهت با گیرنده تسهیلات فرقی نمی‌کند.

اما گفتیم که در این بخش فقط نقطه بحث بر روی آن قسمتی است که بانک تنها نقش واسطه را دارد و ریسک مستقیماً متوجه او نیست بلکه این گیرنده تسهیلات است که در معرض ریسک قرار دارد. در این قسمت ما می‌خواهیم ببینیم که سازوکار برخورد بانک با ریسک با واسطه چگونه است.

در سیستم بانکداری اسلامی شش الگو پیشنهاد شده است از قرار الگوی وکالتی، مضاربه مشترک و مشارکتی، بیع مرابحه، بیع سلم و تبدیل قرض به بیع (فیاض، ۱۳۸۹، ۵۹-۷۵)، که در ایران بنا به برخی دلایل (موسویان، ش ۲۳، ص ۱۳-۵۰) از الگوی وکالتی استفاده می‌شود. در این الگو بانک به عنوان وکیل و امین سپرده‌گذاران اقدام به تخصیص سپرده‌های سرمایه‌گذاری می‌کند و از قبل این کار مستحق حق الوکاله می‌گردد. پس از کسر حق الوکاله مابقی سود حاصله را به حساب سپرده‌گذار واریز می‌نماید.

«این الگو بر اساس طرح پیشنهادی شهیدصدر در مورد سپرده‌های مدت‌دار اجرا می‌شود با این تفاوت که اولاً ایشان در طرح خود فقط به یک روش اشاره کرده است و آن اینست که بانک در قالب مضاربه این تخصیص را انجام می‌دهد درحالی‌که در الگوی ایرانی طرح، بانک در قالب چهارده روش اقدام به تخصیص وجوه می‌نماید و درثانی در طرح شهیدصدر بعد از سودآوری تسهیلات، سهم بانک در قالب و عنوان جُعل به بانک اختصاص می‌یابد ولی در طرح اجرایی در ایران این اختصاص در قالب حق الوکاله انجام می‌شود» (موسویان، ش ۲۱، ص ۷۰-۱۰۲).

حق الوکاله را می‌توان به صورت مبلغ قطعی تعیین کرد که منوط به تحقق سود نباشد، اما با تعیین آن به عنوان درصدی از سود حاصله و تعیین سهم بانک به نسبت مشاع می‌توان انگیزه بانک برای به کارگیری

درست منابع را بالا برد. بانک در تعیین میزان حق الوکاله باید میزان هزینه‌ها و کارمزد خود را محاسبه کند. هزینه‌های ثابت و جاری ناشی از دستمزد پرسنل، فن‌آوری و... اما عامل دیگری که در تعیین آن دخیل است - و به نظر می‌رسد عامل اصلی همان باشد - عامل زمان و مبلغ سپرده می‌باشد هرچه میزان مدت سرمایه‌گذاری طولانی‌تر باشد و سپرده‌گذار مدت بیشتری پول خود را در نزد بانک بگذارد و یا مبلغ سپرده بیشتر باشد میزان حق الوکاله کمتر خواهد بود:

«بانک‌ها می‌توانند در میزان حق الوکاله به کارگیری سپرده‌های بلندمدت برای سپرده‌گذاران تخفیف قائل شوند. میزان تخفیف متناسب با مدت و مبلغ سپرده‌ها خواهد بود» (دستورالعمل اجرایی قبول سپرده، ماده ۱۴ تبصره ۱ و ۲). «آنچه باعث تغییر سود هرنوع سپرده می‌شود، سهم حق الوکاله است و حق الوکاله در سپرده‌های با مدت کمتر، بیشتر از سپرده‌های بلندمدت است» (میرجلیلی، ۱۳۷۴، ۷۵). همان‌گونه که مشاهده شد حق الوکاله بانک‌ها - در سیستم بانکداری اسلامی که از مدل وکالتی استفاده می‌کند - ابزار تعیین سود به منابع سپرده‌گذاران است و همچنین یکی از ابزارهای سیاست‌گذاری پولی بانک مرکزی نیز به شمار می‌آید بدین معنا که شورای پول و اعتبار بنا به شرایط خاص اقتصادی مانند رکود یا تورم میزان حق الوکاله بانک‌ها را کم یا زیاد می‌کند.

«میزان حداقل و حداکثر حق الوکاله به تصویب شورای پول و اعتبار خواهد رسید» (آیین نامه فصل دوم قانون عملیات بانکی بدون ربا، ماده ۱۰، تبصره ۱ و ۲).

ریسک‌های نوع دوم

تصور عمومی از درآمد بانک اینست که عمده درآمد بانک‌ها از طریق ما به التفاوت بهره پرداختی و بهره دریافتی تامین می‌شود. در حالی که در ایران این تصور درست است در کشورهای دیگر مثل بانک‌های اروپایی و آمریکایی و شرق آسیا بانک‌ها با کاستن از این نحوه درآمدزایی به دریافت کارمزد از قبل انجام انواع خدمات بانکی رو آورده‌اند از قبیل کارمزدهای ناشی از عملیات ارزی، نقل و انتقال وجوه مشتریان، گشایش و تمدید اعتبارات اسنادی داخلی و خارجی، صدور انواع ضمانت‌نامه، صدور حوالجات و بروات، خدمات الکترونیکی، ارائه خدمات مشاوره بانکی، حق کارشناسی، نگهداری حساب‌های جاری به نوع اول درآمد بهره‌ای و به نوع دوم درآمد غیربهره‌ای گفته می‌شود (فرهنگ و همکاران، ش ۳، ص ۴).

«آنچه باعث این تغییر رویه شده است عوامل مختلفی است که از جمله آن می‌توان به افزایش رقابت بین بانک‌ها، تغییرات در مقررات افشاسازی اطلاعات (ارائه گزارش‌های مالی) که منجر به کاهش نرخ بهره وام دهی بانک می‌شود و ایجاد استقلال نسبی درآمد بانکی از نوسانات اقتصادی کشور اشاره کرد. مهمتر از همه این‌ها اینست که افزایش این نوع از درآمد باعث کاهش ریسک بانکی ناشی از وام دهی

می‌شود از طریق جذب مشتریان جدید و افزایش سپرده‌های دیداری و به کارآتر شدن بانک کمک می‌کند» (همان، ۴۸).

در این موارد بانک اسلامی برخلاف مورد قبلی که بانک واسطه و وکیل سپرده‌گذار است و ریسک مستقیم متوجه او نیست خود اقدام به پذیرش ریسک می‌کند. به برخی موارد توضیح خواهیم داد که در این نوع دوم، بانک به قیمت‌گذاری ریسک می‌پردازد. بعد از طرح صحیح این موارد باید آن‌ها را در یک رویکرد دینی بررسی کنیم تا از این مسیر بتوانیم در سیستم بانکداری اسلامی رویکرد درست را اتخاذ نماییم. موارد ذیل برخی از مواردی است که بانک به استقبال ریسک می‌رود و از پذیرش آن، با قیمت‌های پیشنهادی اقدام به سودآوری می‌نماید.

ضمانت‌نامه بانکی

ضمانت بانکی یعنی طرف طلبکار اطمینان حاصل می‌کند که بدهی‌های یک بدهکار برآورده خواهد شد خواه خودش بپردازد خواه بانک به عنوان ضامن. به عبارت دیگر، اگر بدهکار نتواند بدهی خود را تسویه کند، بانک آن را پوشش می‌دهد. ضمانت‌نامه بانکی مشتری یا بدهکار را قادر می‌سازد بسته به موارد مختلف گاه کالایی را خریداری کند، زمانی تجهیزاتی را بخرد و یا وام خود را بگیرد.

ضمانت‌نامه‌ها در ابتدا برای نیاز دولت‌ها بوجود آمدند به این شکل که بعد از برگزاری مناقصه برای پروژه‌های دولتی، برای تحکیم تعهدات مناقصه‌گران و داوطلبان و طرف قراردادهای دولت نیاز به یک تضمین جدی داشت تا تعهدات ایشان را ضمانت کند تا؛ اولاً در موعد مقرر کار را به سرانجام برسانند و درثانی هرآنچه در مسیر اجرای پروژه نیاز است و پیمانکار پروژه متعهد به خرید آن است اعم از کالاهای و خدمات لازم مانند امور نرم افزاری، خدمات مشاوره، امور پژوهشی و تحقیقاتی، نگهداری و بهره‌برداری، حمل و نقل، اجاره و... و دریک کلام ارزش مالی پروژه به نحو احسن انجام شود (صدر، ۱۳۸۸، ص ۱۲۴). چرا که اگر پیمانکار از توانایی مالی لازم برخوردار نباشد و یا با کم فروشی و کم‌گذاشتن برای اجرای پروژه به نحو احسن، آن پروژه بدرستی به ثمر نخواهد رسید و موقعیت از دست کسانی که توانایی مالی دارند یا از جهت اخلاقی متعهد و امین هستند بی‌جهت رفته خواهد شد.

امروزه این امر برای بخش خصوصی و بازرگانان و تولیدکنندگان نیز عمومیت پیدا کرده و از این خدمت بانک استفاده می‌کنند. این اقبال دوسویه هم از طرف بانک به خاطر منافع و سودآوری و هم از طرف مشتریان به دلیل تسهیل امور و ایجاد اطمینان و کاهش ریسک در فضای اقتصادی و تجاری باعث شده امروزه انواع مختلفی از ضمانت‌نامه‌های بانکی به قرار زیر بسته به مورد درخواست آن بوجود بیاید.

اگر چه بانک برای سودآوری اقدام به پذیرش ریسک کرده و ضمانت‌نامه صادر می‌کند و با این امر به

تعهدات شان اضافه می‌گردد^۱، اما در واقع امر بانک برای پوشش خود در مقابل این ریسک‌ها اولاً در برخی موارد بالا که ریسک زیادی دارد مانند ضمانت تعهد پرداخت تسهیلات، بانک‌ها عملاً ورود پیدا نمی‌کنند و ثانیاً در مواردی مانند ضمانت حسن انجام تعهدات هم با شرایط بسیار سختی مانند: سابقه اجرایی خوب پیمانکار؛ سرمایه کافی؛

گرفتن وثیقه‌های سهل‌البیع و نقد شونده و...

اقدام به صدور ضمانت‌نامه می‌کنند طوری که ریسک را به حداقل می‌رسانند. در چنین شرایطی نکول ضمانت‌نامه به این معنا که شخص مضمون عنه و مشتری بانک ملزم به پرداخت خسارتی به مضمون له شود و از پرداخت آن عاجز باشد و بانک مجبور شود وجه الضمان را بپردازد. پس کارمزد بانک در قبال صدور ضمانت‌نامه به سه عامل **مبلغ** وجه الضمان و **مدت** زمان ضمانت‌نامه و **ضریب** وثیقه بستگی دارد که با افزایش مبلغ و زمان و ضریب وثیقه که در صورت کسر فوق قرار دارد نرخ کارمزد افزایش می‌یابد. به وضوح می‌توان دید که در این خدمت بانکی، ریسک عاملی است که در قیمت‌گذاری خدمت بانکی (صدور ضمانت‌نامه) مداخلت داده شده است.

بیمه

بیمه یک نوع قرارداد امروزی است که در حقیقت آن بحث و سخن فراوان رفته است. آنچه روشن است اینست که بیمه نوعی قرارداد بر مبنای **توزیع ریسک** است و ریسک را از بیمه‌گذار به بیمه‌گر منتقل می‌کند. در این قرارداد بیمه‌گر متعهد می‌شود که خسارات مالی یا جانی را در صورت وقوع به نفع بیمه‌گذار بپردازد در مقابل وجهی که او در ابتدا به بیمه‌گر پرداخت می‌کند.

این وجه در مقایسه با خسارت احتمالی ناچیز است و لذا بیمه‌گذار از بیم خسارت احتمالی حاضر به پرداخت آن به بیمه‌گر می‌باشد. در صورت عدم وقوع خسارت بیمه‌گر چیزی به بیمه‌گذار پرداخت نمی‌کند و تنها بیمه‌گذار است که آن مبلغ را در ازای بدست آوردن اطمینان ناشی از بیمه پرداخت کرده است.

«در واقع بیمه معامله میان دو پول نیست که بگوییم یک طرفش مجهول است یا نه. بلکه جنبه عقلایی بیمه که عقلاً اقدام به آن می‌کنند تامین پیدا کردن است از ورشکستگی، تحمل خسارت زیاد، بیچارگی

۱. تعهدات بالقوه به بدهی‌هایی گفته می‌شود که در تراز بدهی‌های به عنوان بدهی ثبت نمی‌شود. در صورتیکه مشتری نسبت به پرداخت بدهی خود نکول کند این تعهد بالقوه برای بانک بالفعل شده و در این موقع در لیست بدهی‌های بانک وارد می‌شود.

در زمان از کار افتادگی پولی که بیمه‌گر می‌دهد طرف معامله و یکی از عوضین نیست. آنچه بیمه‌گر به بیمه‌گزار می‌دهد خود تامین است. همان تعهدش ارزش دارد. در مقابل این تعهد بیمه‌گزار حق بیمه می‌دهد. ارزش متعلق به خود تعهد است» (مطهری، ۱۳۶۱، ۳۴۹).

برخی از فقها بیمه را نوعی **ضمان جریره** دانسته‌اند که در گذشته وجود داشته و از نظر شریعت مشروع هم دانسته شده است:

«در ضمان جریره حداقل دو نفر با هم قرارداد می‌بندند که ریسک ناشی از خطای یکی از اطراف را جبران کنند و در مقابل از همدیگر ارث برند.» (جمالی‌زاده، ۸۱، ۱۳۸۰).

در مقابل آن **ضمان عاقله** قرار داشت که میان خویشاوندانی که از هم ارث می‌بردند به صورت قهری و جبری وجود داشت. در صورتی که یک نفر از یک فامیل به خطا مرتکب قتل می‌شد، خویشاوندانی که از او ارث می‌بردند باید جمع شده و اقدام به پرداخت دیه مقتول می‌کردند. اما در ضمان جریره این قرارداد ارادی و اختیاری است.

صورت‌های غیرمشروع درآمدزایی از طریق ریسک

شهید صدر در رد درآمدزایی ریسک به واکنش منفی شریعت به برخی از این نوع درآمدزایی‌ها اشاره می‌کند که در ادامه به آنها به طور مشروح می‌پردازیم تا بدانیم علت مخالفت شریعت با این نوع از درآمدها چه می‌تواند باشد؟

الف) قمار

قمار به معنای **بازی‌ای** است که در آن **رهان** (اعم از مال و غیر مال) هست اعم از اینکه آن بازی با **آلات** قمار باشد، مثل نرد و ورق یا آنچه از جمله این آلات نباشد ولی با آن قمار می‌کنند مثل گردو، منج و غیره.

پس مصداق قمار در فقه با سه امر متعین می‌شود: بازی باشد؛ بین مسابقه‌دهندگان برد و باخت پولی باشد؛ با آلات قمار باشد (انصاری، ۱۳۹۲، ۳، ۳۸).

علت موضع منفی دین در قبال قمار اینست که مالی در آن رد و بدل می‌شود که در مقابل آن هیچ خدمت و کالایی قرار ندارد و صرفاً بر اساس ریسک و بازی است. در قمار به طرفی که مال خودش را می‌بازد هیچ چیزی منتقل نمی‌شود و طرفی هم مال را می‌برد در قبال دریافت آن هیچ تولیدی نه تولید خدمت و نه تولید کالا نکرده است کما اینکه به همین مطلب نیز شهید صدر اشاره کرده است (صدر، اقتصادنا، ص ۷۰۸ و ۷۰۹)، لذا مصداق قاعده‌ی حرمت اکل مال بالباطل به شمار می‌رود که خداوند در قرآن فرمود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ...»

ای کسانی که ایمان آوردید اموال خودتان را در بین تان به صورتی که باطل است نخورید مگر اینکه بر اساس نوعی تجارت که همراه با رضایت طرفین است، باشد (نساء: ۲۹).

البته برخی از بازی‌ها که در آن بازی‌کنندگان از جهتی مطلوب تقویت می‌شوند مانند مسابقات اسب سواری یا تیراندازی که باعث تقویت آمادگی جسمانی بازی‌کنندگان می‌شود یا شطرنج که باعث تقویت ذهنی و فکری شطرنج باز می‌گردد، مجاز شمرده شده است. لذا در این موارد ریسک‌پذیری و قبول مخاطره صرف نبوده بلکه منافع حلالی به همراه دارد که می‌تواند مناط تجویز اینگونه بازی‌ها باشد.

ب) شرکت در ابدان

به این نوع شرکت، شرکت در کارها نیز گفته می‌شود و آن به این شکل است که طرف‌های قرارداد، قراردادی را به این مفاد منعقد می‌کنند که هر یک از آنها جداگانه کار کنند و در نتیجه و حاصل کار یکدیگر، سهم باشند، خواه کار آنها از نظر کمی و کیفی (کیفی مثلاً هر دو خیاط باشند یا اینکه یکی خیاط باشد و دیگری نانوا و کمی به این معنا که هر دو به یک میزان و ساعت کار کرده باشند یا ساعات کاریشان متفاوت باشد) یکی باشد خواه نباشد، و علت این عدم جواز به این است که هریک از آنها در بدن و کار خود متمایزند و لذا نتایج و حاصل نیز باید متمایز باشد و مخلوط نشود مانند زمانی که هر دو در مالی با یکدیگر شریکند که مشاع نیست و جداگانه است و لذا باید منافعی هم در صورت تمایز از هم جدا باشد.

بر اساس نظر فقهای شیعه و به تبع شهید صدر علت مخالفت شریعت در این نوع از شراکت اینست که درآمد مکاتبه در آن بر اساس کار نیست بلکه بر اساس ریسک است (صدر، ۱۴۳۲، ۷۰۸) به این بیان که عمل هرکس بر روی مالی یا جهت کسب چیزی مخصوص خود اوست و همچنین خسارات و جرایم مالی او نیز از آن خودش است و تنها خودش ضامن می‌باشد و به صرف عقد قرارداد نمی‌توان کسی را در جرایم مالی احتمالی و یا کسب احتمالی شریک ساخت و عقدی را به جهت آن جاری ساخت.

ج) ربای قرضی

یکی از توجیهات فائده‌ی ربوی اینست که شخصی که مال خودش را به دیگری قرض می‌دهد این زیاده در مقابل ریسکی است که مال خود را در معرض آن قرار داده است. زیرا گیرنده مال احتمال دارد که از دادن مال ناتوان شود یا به هر دلیل مال به دستش برنگردد. به این ریسک می‌توان این احتمال را هم افزود که شخص قرض‌دهنده در طول مدتی که مالش را قرض داده از منافع احتمالی مال بی‌نصیب شده است زیرا او می‌توانسته در این مدت از مالش در جهت ازدیاد منافع مالی‌اش استفاده نماید مثلاً خرید و

فروشی نافع داشته باشد یا در امری سرمایه گذاری کند که برایش بهره به بار آورد.

لذا کسانی که ربا را موجه می دانند این زیاده را در مقابل این ریسک ها قرار می دهند امری که اسلام با آن تماما مخالف است و چنین ریسکی را مستحق درآمد ندانسته و آنرا تحریم مؤکد کرده است.

صورت های مشروع درآمدزایی از طریق ریسک

درب برخی از قراردادهایی که بین اشخاص منعقد می شود در ذات و طبیعت قرارداد ریسک و ریسک پذیری طرفین لحاظ شده است که این نوع از قراردادها از سوی برخی فقها عقود تعلیقی یا تقدیری نامیده شده است (غروی نائینی، ۱۳۷۳ق، ۱، ۳۳). در تعریف این عقود آمده است که ذات عقد مشتمل بر امری محتمل الوقوع در زمان آینده است که همین امر خود باعث می شود که قرارداد ذاتا یک قرارداد همراه ریسک باشد.

میرزای نائینی در این باب می فرماید: «مقصود از عقد تعلیقی وابسته نمودن اثر و محصول ذات عقد به امری محتمل است مثل عقد جعاله، سبق و رمایه و وصیت» (آملی، ۱۴۱۳، ۱، ۸۱). این عقود ذاتا بر مبنای غرر بنا شده اند، در مقابل عقودی که ذاتشان مبتنی بر فرار از ریسک و غرر است مثل عقد بیع، اجاره.

اینک به برخی از این عقود به صورت مختصر اشاره می کنیم: مضاربه، مزارعه و مساقات مهم ترین عقود دارای ریسک (عقود تعلیقی) در فقه این سه عقد می باشند که ذاتشان بر مبنای ریسک و استقبال از آن از سوی طرفین قرارداد است هم صاحب مال هم عامل مضاربه و مزارعه و مساقات. در هریک از این سه عقد تملیک سود به طور ذاتی بر پیدایش احتمالی آن معلق شده است. برخلاف مضاربه که در مشروعیت آن بحثی نیست مشروعیت مزارعه و خصوصاً مساقات بدلیل همین ماهیت غرری و مجهولی که دارند از سوی اهل سنت مورد تردید قرار گرفته است. (الجزیری، ۱۴۲۲، ۶۲۰).

بهترین مثالی که برای عقد جعاله زده شده است پیدا کردن برده ی فراری است. اربابی که برده اش گریخته است اعلام می کند که هرکه برده مرا یافت فلان مقدار پاداش نزد من دارد. روشن است که استحقاق پاداش به امری محتمل الوقوع ارتباط دارد. در زمان ما نیز بسیاری می شنویم که هرکس مثلاً فلان شخص را زنده یا مرده نزد ما بیاورد فلان مقدار پاداش نصیبش خواهد شد.

کسانی که رغبت و میل به این اعلام پیدا می کنند ممکن است با صرف هزینه هایی در این مسیر به مقصود یعنی گرفتن پاداش برسند و یا در عین حال نرسند و لذا تمام آن هزینه ها را در معرض ریسک قرار داده اند. بسیاری از فقها به این مطلب که اساس جعاله بر احتمال خطر از دست دادن هزینه ها بنا شده است، اذعان کرده اند. (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ۱۱، ۱۵۲ و نجفی، ۱۴۰۴، ۳۵، ۱۹۴).

یکی از صور مشروع، بیمه است؛ از آنجا که چنین عقدی در شریعت به رسمیت شناخته شده فلذا فقهای امروزه بیمه را از باب شباهت به آن مشروع شمرده‌اند.

اما سخن در مشروعیت آن بین علمای اهل سنت بسیار است و ایشان اکثراً آن را عقدی نامشروع می‌دانند زیرا اینگونه قرارداد، مشتمل بر چند غرر است، از جمله مطمئن نبودن از نتیجه و مطمئن نبودن از دوره قرارداد چرا که در صورت بروز خطر بیمه‌گر زیان می‌کند و اگر خطر پیش نیاید بیمه‌گزار حق بیمه‌ای را که پرداخت کرده از دست می‌دهد.

در دهه‌های اخیر بر «بیمه تکافل»، به عنوان شکل پذیرفتنی بیمه، و تحریم بیمه مرسوم، بویژه در نخستین اجلاس بین‌المللی اقتصاد اسلامی در مکه (۱۳۴۵ ش / ۱۹۷۶)، تأکید شد و بیمه تکافل، به عنوان بیمه‌ای که در اسلام پذیرفتنی است، مطرح گردید. هم‌چنین در ۲۵ خرداد ۱۳۵۱ / ۱۵ ژوئن ۱۹۷۲، شورای فتوای ملی مالزی اعلام کرد که بیمه، بویژه بیمه عمر، از نظر موازین فقهی باطل است، به‌همین دلیل، هیئتی تشکیل شد تا در مورد چگونگی ایجاد بیمه اسلامی (تکافل) مطالعه و تحقیق کند. این دیدگاه بیشتر تکیه بر غرری بودن قرارداد کرده است در حالیکه این عقد از جهتی دیگر هم مشکل دارد و آن اینست که سودی سرشاری نصیب بیمه‌گر می‌شود که مسبوق به عمل خاصی نیست و به صرف ریسک کردن بدون اینکه این ریسک همراه کاری باشد، باعث استحقاق سود نمی‌شود.

تحلیل موارد مشروع و نامشروع درآمدزایی از ریسک

شاید در تصور اولیه از قرارداد این به ذهن برسد که عنصر اصلی در صحت یک قرارداد رضایت طرفینی است که در صورت وجود آن هر نوع عقدی از نظر عقلاً درست و صحیح است. اما بر خلاف این تصور عمومی عنصر اصلی که اسلام هم به آن توجه کرده است حقانیت و عدالت اکل مال طرفین از همدیگر است.

در قرآن کریم این واقعیت به وضوح مشخص شده است؛

«وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِيَأْكُلُوا فَرِيقًا مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» نه اموال همدیگر را با وجوه باطل بخورید و نه به قاضیان رشوه دهید تا بر اساس گناه به اموال همدیگر دست یابید در حالیکه می‌دانید (بقره: ۱۸۸). (اینکار تان باطل است)

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ...» ای کسانی که ایمان آورده‌اید اموال همدیگر را با وجوه باطل نخورید مگر اینکه تجارت شما از روی رضایت طرفینی باشد... (نساء: ۲۹).

معامله همراه با رضایت طرفینی تنها یکی از شروط عدم اکل مال بالباطل را داراست و وجوه دیگری هم در جای خودش در شریعت ذکر شده است. جعل اختیارات از سوی شارع که به رضایت طرفین بستگی

ندارد، از این جمله است که نشاندهنده‌ی اینست که شارع علاوه بر رضایت طرفین به امر دیگری هم اهتمام دارد. غرری نبودن عقودی مثل بیع و اجاره هم از این باب است.

پس اکل مال بالحق اصل اولی در عقود است و طرفین باید مال همدیگر را بر اساس معیارهای صحیح مبادله کرده و مصرف نمایند. اما تنها عامل بازیگر در دنیای تجارت و مبادله فقط اراده و آگاهی متعاملین نیست کسی که تاجر است تجارتش در معرض خطرات زیادی مانند نرخ ارز و سیاست‌های دیگر اقتصادی دولت‌هاست و...

در چنین شرایطی است که کار، محفوف به خطرات و ریسک‌هایی است که خارج از کنترل متعاملین است و شریعت با در نظر گرفتن این شرایط به صحت عقود مخاطره‌ای چون مضاربه و جعاله حکم داده است. پس هر نوع عقد طبیعت معقول خود را دارد و انتظاری را برآورده می‌کند که نوع دیگر از عقد نمی‌تواند آنرا بر آورده کند، اما هر دو گونه از عقود در یک چیز مشترکند و آن اینست که کار عامل رسمیت و مشروعیت درآمد است.

با این قاعده می‌توان دریافت چرا در دیدگاه شریعت هم عقودی داریم عاری از هر نوع ریسک و بر مبنای اطمینان و در عین حال عقودی داریم همراه با ریسک و مشتمل بر نوعی نااطمینانی. حال که روشن شد که اکل مال بالحق اعم از رضایت طرفینی است، از عقود بالا و صور مشروع و نامشروع آن به استخراج شرایط دیگر آن می‌پردازیم.

رضایت طرفینی شرط لازم یک قرارداد است اما شرط کافی نیست. بر اساس همین شرط است که اگر ریسکی وجود دارد، باید پذیرنده‌ی آن، راضی به تحمل آن باشد و خود به خود اقدام بر پذیرش و تحمل آن کند نه اینکه از جانب دیگری بر او تحمیل شود یا از غفلت او نسبت به ریسک سوء استفاده گردد. بر اساس این شرط غصب و بیع اجباری و هر عقدی که رضایت یک طرف در آن نباشد صحیح نیست.

دومین شرطی که از مطالعه‌ی موارد بالا می‌توان دریافت و شهید صدر به درستی به آن اشاره کرده است، اینست که مبنای درآمد باید **کار و خدمت** باشد. بر اساس این شرط تبادل مال بر اساس بازی و به قصد سرگرمی صرف و هر عقدی که کاری در میان نباشد مانند ربا و انواع قمار و مسابقاتی که نص صحیح بر مشروعیت آن نداریم، از نظر شرعی مردود هستند.

مورد سومی که وجود دارد اینست که اگر کار مبنای تعیین دستمزد قرار گرفت، در کنار آن احتمال و ریسکی نباید گنجانده شود. به این معنا که قرارداد ریسک و به خطر انداختن دستمزد از حیث زیاده و نقصان توسط هر یک از متعاملین، یعنی گنجاندن ریسک در متن قرارداد، امری مردود است. بر همین اساس قرارداد شرکت ابدان و مفاوضه و وجوه صحیح نیست، زیرا انفکاک ریسک از درآمد امری ممکن

است و قراردادن آن در کنار کار امری اختیاری و ارادی است.

در آخر اینکه اگر یک کار و خدمت ریسک دار و همراه خطر است، این ریسک غیر قابل انفکاک و مندمج در کار باشد، و عامل هر چه در جهت کاهش احتمال خطر بکوشد باز هم این احتمال به نحو معتنی به وجود داشته باشد. مانند کاری که در مضاربه و جعاله وجود دارد که طبیعت کار و عمل در این دو عقد همراه با ریسک و خطر است و این خطر ناشی از نفس کار است و هر چه عامل بکوشد باز قادر نخواهد بود که ریسک کار را به صفر برساند زیرا کار همیشه محفوف به شرایطی است که از کنترل عامل خارج است. مانند مثالی که برای جعاله زده شد (یافتن برده‌ی فراری که هر دو صورت یافتن و نیافتن در آن ممکن است) یا مضاربه که امکان سود و زیان در نفس کار تجارت وجود دارد.

در حقیقت مورد نزاع مسئله در همین صورت است. زیرا کسانی که ریسک را عامل درآمدزا می‌دانند به همین نوع از عقود استشهاد می‌کنند. چرا که وجود ریسک و درصد آن در تعیین دستمزد و درآمد دخیل است. وجود عقود مبتنی بر ریسک در شریعت و درآمدزایی مشروع از طریق آن‌ها منجر به این نظریه شده است که میان ریسک و تعیین درآمد رابطه‌ای رسمی و شرعی وجود دارد.

نتیجه گیری نهایی

بر اساس بیانات بالا می‌توان ریسک را به دو نوع تقسیم کرد:

ریسک تجاری: ریسکی که همراه با کار است؛

ریسک غیرتجاری: ریسکی که عاری از هر نوع کار است؛

بر اساس این نظریه درآمدزایی از نوع اول از ریسکها از نظر شرعی مباح و از نوع دوم حرام است. (بکناش، ۱۳۹۵، ۲۰۵ و ۲۹۶). در این نظریه ریسک در معنای اول یعنی «تحمل نتایج سرمایه‌گذاری از حیث سود و زیان و تحمل نتایج فعالیت‌های تجاری و مضاربه‌ای از حیث سود و زیان» و در معنای دوم که مصداقی حرام است یعنی «غرر و قمار» (عویضه، ۱۴۳۱، ۳۰).

در این نظریه فرق دو نوع ریسک در ثمرات آن است به این بیان که:

ریسک اولی مفید است در حالی که در نوع دوم هیچ فایده‌ی عقلانی در آن متصور نیست؛

ریسک اولی مولد است اما نوع دوم متضمن هیچ ارزش افزوده‌ای نیست؛

ریسک اول قابل کنترل است به این بیان که عوامل و اسباب آن تحت کنترل انسان است ولی در نوع دوم عوامل آن خارج از کنترل انسان است (سرآبادانی، ۱۳۹۷، ۱۴۴).

بر اساس همین نظریه ارزش اقتصادی یک تصمیم تجاری که در آن ریسک وجود دارد، صرفاً ریسک‌دار بودن آن نیست بلکه بدلیل اینست که خلق ثروت می‌کند و گر نه خود ریسک به خودی خود

تعیین کننده‌ی ارزش نیست.

«از دیدگاه اسلامی، در معرض خطر قرار دادن ثروت به خودی خود نمی‌تواند یک هدف باشد. ارزش هر تصمیم اقتصادی صرفاً به دلیل مخاطره‌آمیز بودن آن نیست؛ بلکه به واسطه‌ی ثروتی که خلق می‌کند و ارزشی که بواسطه‌ی آن ایجاد می‌شود تعیین می‌گردد. ریسک در ارزش منعکس است، ولی فی نفسه و به تنهایی تعیین‌کننده‌ی ارزش نیست» (سویلیم، ۱۳۸۶، ۶۰).

با این بیان اگر نظر شهید صدر نفی مطلق ریسک باشد، با اشکالات جدی مواجه است. اما با توجه به مصادیق مثبت و منفی‌ای که ایشان در ادامه آورده است روشن است که ایشان مطلق ریسک را نفی نمی‌کند. از دید ایشان در فقه اسلامی هم موارد مجاز وجود دارد هم موارد حرام. اما باید دید که مصداق و مورد این تحقیق یعنی خدمات بانکی ریسک دار، تحت کدام مقوله قرار می‌گیرد مجاز یا غیر مجاز؟ طبق بیان بالا این موارد و دیگر مواردی که شخص ثالث وارد فعالیت‌های اقتصادی می‌شود و در کنار فعالان اقتصادی قرار می‌گیرد و از ایشان حمایت می‌کند، تحت مصداق مجاز قرار می‌گیرد زیرا هم فعالیتی است مفید، هم مولد و قابل کنترل.

شبهه‌ی غرر هم بر آن نمی‌تواند وارد باشد زیرا در این قرارداد آنچه ثمن و مضمن قرار می‌گیرد پول نیست که مبهم باشد بلکه مضمن و مورد معاوضه همان اطمینان خاطری است که نصیب شخص مضمن عنه می‌شود. به همین دلیل است که اکثر فقهای شیعه بیمه و نظایر آن مانند همین خدمات بانکی را مجاز دانسته آنرا می‌پذیرند.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. آملی، محمدتقی، المکاسب والبیع، موسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین، قم، ۱۴۱۳ق.
۳. انصاری، مرتضی، المکاسب، ترجمه محی الدین فاضل، هرنودی، بوستان کتاب، قم، چاپ هفتم، ۱۳۹۲ش.
۴. بکتاش، محمدکاظم، مبانی فقهی- اقتصادی توزیع ریسک (مخاطره) در بازارهای مالی، موسسه امام خمینی، ۱۳۹۵ش.
۵. الجزیری، عبدالرحمن بن محمد، الفقه علی المذاهب الاربعه، دارالحزم، بیروت، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
۶. جمالی زاده، احمد، مبانی فقهی عقد بیمه، ج ۱، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۸۰ش.
۷. دارمین، چین و بیسادا، یوسف ف.، مدیریت دارایی و بدهی- راهنمایی برای خلق ارزش و کنترل ریسک، مترجم سید حسین صحاف رضوی، پژوهشکده پولی و بانکی- بانک مرکزی ج.ا.ا، چاپ اول، بهار ۱۳۸۵ش.
۸. سرآبادانی، غلامرضا، نظام مالی اسلامی و ریسک معاملات، مرکز فقهی ائمه اطهار، چاپ اول، ۱۳۹۷ش.
۹. سویلم، سامی ابراهیم، پوشش ریسک در مالی اسلامی، ترجمه مهدی عسگری و همکاران، دانشگاه امام صادق ع، ۱۳۸۶ش.
۱۰. صدر، محمدباقر، اقتصاد ما، مترجم سید ابوالقاسم حسینی (ژرفا)، دارالصدر، چاپ اول، قم، ۱۳۹۳ش.
۱۱. صدر، محمدباقر، اقتصادنا، دارالصدر، چاپ دوم، ۱۴۳۲ق.
۱۲. صدر، محمدباقر، البنك اللاربوی فی الاسلام، دارالصدر، چاپ دوم، ۱۴۲۹ق.
۱۳. عاملی (شهیدثانی)، زین الدین بن علی، مسالک الافهام، ج ۱، موسسه المعارف الاسلامیه، قم، ۱۴۱۳ق.
۱۴. عدنان عبدالله محمد، عویضه، نظریه المخاطره فی الاقتصاد الاسلامی، المعهد الفکر الاسلامی، طبعه اولی، ۱۴۳۱ق.

۱۵. عدنان عبدالله محمد، عویضه، نظریه المخاطره فی الاقتصاد الاسلامی، المعهد الفکر الاسلامی، طبعه اولی، ۱۴۳۱ق.
۱۶. عسگری، محمد مهدی، تکافل از نظریه تا عمل، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، تهران ۱۳۹۸ ش.
۱۷. غروی نائینی، محمدحسین، منیه الطالب فی حاشیه المکاسب، ج ۱، مکتبه المحمديه، تهران ۱۳۷۳ق.
۱۸. مطهری، مرتضی، بررسی فقهی مسئله بیمه، ج ۱، تهران ۱۳۶۱ ش.
۱۹. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاحکام، ج ۳۵، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۴ق.